

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سروش  
۲۷ دسمبر ۲۰۲۲

## ۷ و ۸ ثور نماد خیانت و جنایت در تاریخ کشور ما

نه من آن عنصر سستم که ز تحریک بهار  
پیش ارباب فرومایه به فریاد شوم  
شیوه عشق و وفا پیش برم در ره عشق  
تا چو پروانه به سر بازی ام استاد شوم  
«زنده یاد سرور جویا»

در حافظه تاریخی خلق رنج کشیده ما، این دو روز خونین نماد است از خیانت، جنایت، و ظفروشی، جلادی و فاجعه انسانی. این روز های خونین سرآغاز دوران و دفتر است از کارنامه های جنایتکارانه و کشتار سیستماتیک و فاشیستی میلیون ها هموطن آزاده، بی گناه و بی دفاع ما به دست جلادان سادیست اعم از "خلق - پرچمی" تا جهادی، ملیشائی، طالبی، داعشی، اشغالگران سوسیال امپریالیستی/امپریالیستی و نظام های پوشالی و باند های تروریستی و شبه نظامیان مزدور و ستمگر تحمیلی که همه زاده تبعات جنایت هفت ثور بوده اند. با گردش هر سال، این نماد در اذهان مردم ما زنده می شود.



تاریخ خونچکان چهل و چهار سال کشور ما خود گواه بر این مدعا است. در ادامه و متعاقب کودتای خونین ۷ ثور طبق برنامه توسعه طلبانه سوسیال امپریالیسم شوروی توسط غلامان "خلق و پرچم" در «هفتم ثور»، از «هشتم ثور»

به بعد، امپریالیست های شرق تا غرب به نوبت و به تکرار با لشکرکشی های مکرر بر کشور ما تاختند و با گذشت زمان و هر روز، هر ساعت و هر دقیقه آن فجایع و جنایات هولناکی آفریدند. طی این چهار دهه و اند، اشغالگران بیرونی با جلادان و جنایتکاران خیانت پیشه ۷ و ۸ ثوری به اضافه طالبی، به ارتکاب ستم و جنایت بر خلق پا برهنه ما اعم از قتل، غارت، تجاوز به مال، جان و شرف مردم؛ درد، عذاب، فقر و گرسنگی، بیکاری، ترویج عامدانه اعتیاد، مواد مخدر و فحشاء؛ مهاجرت، غل و زنجیر شکنجه، ناپدید شدن، تحویل اجساد به خانواده ها و... مرتکب شدند و جب و جب کشور ما را به آتش کشیده، غارت کردند، کشتند و بستند، زنده به گور و ناپدید کردند و ویرانی به جای ماندند. این شیفتگان قدرت، خودفروختگان و خون آشامان از خون طفلان، زنان، جوانان، پدران و همه فرزندان اسیر این سرزمین سیر نشده اند و به طور پیهم به جنایات شان با پوشش مندرس جهادی، طالبی و حتی داعشی؛ ملک و ملت ما را غرقه در خون کردند و هنوز هم خون زحمتکشان و محرومان جامعه را می مکند.

اگر به تاریخ کودتای هفتم ثور و به تعقیب آن تهاجم و لشکرکشی سوسیال امپریالیسم متجاوز روسی و امپریالیست های امریکا - ناتو و امارت تراز فاشیستی اسلامی طالبان بنگریم؛ دیده می شود که هر دو اشغالگر و ایادی بومی شان به رغم ظاهر و شعارها و شعائر متفاوت و حتی متضاد؛ در سرشت و ماهیت، سیاست ها و اهداف هر دو متجاوز و ایادی بومی شان، جوهر مشترک استعماری - ارتجاعی داشته اند.

بر این خطه و مردم آن در ادوار تاریخ پر از فراز و فرودش، ستم های بسیاری رفته است. اما سنگینی وزن و ضخامت حجم ستم، تجاوز و جنایت پیهم اعمال شده بر خلق افغانستان طی این حدود چهار ده و نیم اخیر، از ستم و جنایت سائر برهه های تاریخ این سرزمین بیشتر است. در ادوار مختلف تاریخ خونبار کشور ما در قرون متمادی آنچه از تجاوز و لشکر کشی و عزل و نصب پادشاهان، امیران مزدور و مستبد در نقش میر غضب که بر مردم ما تحمیل شده است؛ با ستم، استعمار، شرارت، آدمکشی، شکنجه، زنده به گور کردن، آدمربائی، ناپدید ساختن، برپائی گور های دسته جمعی، وحشت و بربریت، ویرانگری و وطن فروشی مزدوران و جلادان "خلق و پرچی"، جهادی، طالبی و داعشی و ملیشیائی که تا همین امروز به طور عمده توسط طالبان، امارت اسلامی و داعشیان در افغانستان ادامه دارد، از لحاظ حجم، گستره و اشکال آن، قابل مقایسه نیست.



دیده شد که فضای نسبتاً امن کشور ما را کودتاچیان "هفت ثور" و با ستون هائی از قشون اشغالگران سوسیال امپریالیسم متجاوز روسی و به تعقیب آن، چهل و هشت کشور امپریالیستی به تکرار تا همین اکنون چنان مکرر نموده

اند و خلق بی دفاع ما را چنان دچار صاعقه نیروی های اهریمنی خود ساختند، که دود و آتش مهیب آن، به وسیله این شرف باختگان مزدور تا همین اکنون در فضای کشور بلند و شعله ور است. همه اختاپوس و هیولا هائی که تا امروز خون می خورند، و آتش کینه توزی شان علیه خلق ستمکش افغانستان زبانه می کشد، بر زمینه و تبعات کودتای ننگین هفتم ثور سر زده اند. همین آشفتگی ها، ناهنجاری ها و نابسامانی های محیط و جامعه و کشور ما را از نگاه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آسیب پذیر ساخته است. مضاف بر آن، اثرات مخرب تهاجمات و اشغالگری سوسیال امپریالیسم شوروی از همان آوان کودتای ننگین مزدوران "خلق و پرچم" تاکنون بر این مصائب افزوده است.

حوادث خونین بعدی به دست بنیادگرایان اسلامی، این تربیت یافتگان برژینسکی و آی اس آی (مجاهد و طالب) تا همین اکنون که حاکمیت دار و تازیانه فاشیستی طالبان را بعد از بیست سال تجاوز، قتل، غارت و چپاول، به تکرار بر خلق عذاب دیده ما تحمیل کرده اند، کارد را تا مغز استخوان جامعه فرو برده است. تصمیم توطئه آمیز اخیر امپریالیسم امریکا و متحدانش در سپردن مقدرات خلق بی دفاع ما به دستان ناپاک و نامین جنایتکاران طالبی، ستم دیگر است که امپریالیسم و ارتجاع در ادامه ستمگری ۲۰ ساله شان، در حق کشور و مردم شجاع ما روا داشتند. در نتیجه، افغانستان برای مردم آن به جهنمی مبدل شده است. باند های تبهکار اجنبی، از دور و نزدیک، و خون ریزان، طالب با سموم افکار فرسوده قرون وسطائی و نگرش و عملکرد فاشیستی و شوونیستی در قبال نیم نفوس و دگراندیشان جامعه؛ آنچه از ظلم و بیدادگری در توان و دسترس دارند، بر پیکر این مردم به خون خفته وارد کرده اند. طالبان میهن فروش و خودفروخته، وطن را در بدل متاع ناچیزی هر روز به دول امپریالیستی و ارتجاعی منطقه، از پوتین تا شی جین پنگ، از عمران خان و شهباز شریف تا خامنه ای، از امیران و قصر نشینان و تاجداران عرب تا ترک تباران مدعی میراث امپراتوری عثمانی، از ترمپ تا بایدن و از لندن تا پنجاب می فروشند و خود فرمان قتل و غارت مردم و تعطیلی و خانه نشینی زنان کشور را صادر می کنند، مردم را به گدایان و وطن را به تل خاک و ویرانه ای مبدل کرده و مردم گرسنه و بیکار را به کوچ و مهاجرت های اجباری و تحمل هزاران تحقیر و رنج و مصیبت دیگر... گرفتار کرده اند.

نزد مردم افغانستان این همه ستمگری ها و بیدادگری ها، شکست و ریخت ها و قربانی های فراوانی را که در همه عرصه های زندگی پشت سر نهاده اند، نتیجه جنگ و اشغالگری، جنایت و غارت ابرقدرت ها و سائر طرف های نیدخل خارجی، بوده است که توأم با عملکرد خائنه، تفرقه افکنانه و ویرانگری کلیه مزدوران بومی آن استعمارگران در کشور، همه چیز کشور ما را تا مرز نابودی کامل کشانده است. منشأ این همه مصائب وارده بر پیکر ملت ما، در قدم اول جنایت ۷ ثور و متعاقب آن، جنایت ۸ ثور است که بر زمینه و از دامان آن، ۷ اکتوبر و ۱۵ اگست (روز اشغال ارگ مزدوران قبلی توسط طالبان) زاده شد.

آری، هفت و هشت ثور روز زایش خون و آتشی است که فردا های تاریک را در طی چهار دهه با مصیبت های فروان از پرده بیرون کشید، این دو روز زاینده "خلق و پرچم" و سر برآوردن چهره های منحوس مجاهد، طالب و داعش، این زنازادگان تاریخ است، در روز مرگ خورشید آزادی، روز یغما و تاراج کشور، روز جلوس به ارگ غلامان با صدور فرامین از تیغ کشیدن عامه خلق افغانستان، را جشن گرفتند، که در حافظه تاریخ این مهد دلیران، روز ننگ و نفرین، روز ظلمت و تاریکی، روز فروش خشت و خاک وطن، روز خفه کردن کودکان نوزاد در بطن مادران، روز بربادی مادر وطن، روز تکه پاره کردن فرزندان، مادران و خواهران و هر هموطن، روز جنایت و گسترش طاعون و زخم ناسور بر پیکر این مهد کهن، روز جنایت علیه انسان و انسانیت و بالاخره روز تجاوز و اشغال مکرر، روز اهانت به تاریخ پرشکوه کشور ما، روز تشدید جنگ و جنایت و آدمکشی و ستمگری، روز پیروزی خرافات طالبی بر دانش، روز فقر و گرسنگی، روز قدرت گرفتن نگرش و عمل برتری جوئی به شیوه نیونازی در افغانستان، روز مرگ

زحمتکشان و کارگران و دهقانان، روز کشیدن نقاب مندرس تعصب و تحجر و بنیادگرایی در افغانستان، روز نفاق و شقاق، روز آوارگی و ناامنی، روز به خون غلتیدن سروقامتان، روز فرمانروایی جهل و ظلمت بر روشنائی، روز تبدیل جاسوسی به سنت ارتجاع در افغانستان، روز تکثر جنایات نابخشودنی، روز شکار عقابان در آشیانه امن و امان شان، روز تکرار تجاوز بر سرزمین آبائی مان...، بلی این همان روز خونبار کودتاچیان هفتم ثور بود که در تداوم آن، حاکمیت های ننگین جلادان، ستمگران و مزدوران "خلق و پرچم"، باند های تبهکار هفتگانه و هشت گانه و طالبی توسط سوسیال امپریالیسم شوروی تا امپریالیسم غرب و ارتجاع منطقه، به قدرت پوشالی چهار روزه به قیمت فروش میهن و ارتکاب خیانت ملی، دست یافتند. امپریالیسم و ارتجاع حاکم نظام های اسلامی منطقه تاریخ اندیشان و کورمغزان دار و تازیانه به دست تربیت یافته کی جی بی، "سیا" و "آی اس آی" و بسا از جلادان و سفالگان دیگری را یکی پی دیگر، تحت نام های "نابغه شرق"، "قوماندان دلیر"، "رهبر زحمتکشان"، "مجاهد فی سبیل الله" و "امیر المؤمنین" برای ما تراشیده و بر مسند و کرسی ارگ غلامان خویش نصب کرده اند.

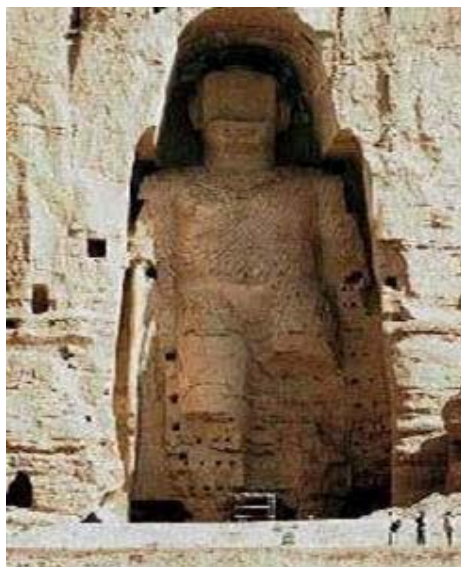
آری، همان آغاز هفت ثور که نخستین سنگ پهن بنیاد تجاوز و اشغالگری، جنایت و جلادی، ظلمت و تباهی، قتل و غارت، ویرانی و نسل کشی، تعصب و تحجر و بنیادگرایی اسلامی، مزدور منشی و خیانت، ستم و استثمار... را بدون شک باند های "خلق و پرچم" اساس و بنیاد گذاشتند و تا امروز ادامه دارد. این پدیده، نماد است سزاوار محکومیت که تبعات فاجعه بار چهل و چهار سال گذشته در کشور در پیوند ناگسستنی با کودتای هفت ثور به مثابه آغاز مصیبت و با جنایت هشت ثور به حیث ادامه مصیبت ملی و اجتماعی، قرار دارد.

این روزها که بازار گرم سوداگران مرگ "طالبان"، تروریستان، قوم پرستان، زورگویان، دلالان و معامله گران در تبنای با شرف باختگان و جلادان "خلق و پرچم"، با پوشش عبا و قبای طالب با ریش و سله ای که این خودفروختگان حرفه ئی و پایدوان، ضمن همایش های رذیله و وحدت شکنانه و تفرقه افکنانه، به جاسوسی و شکار افغان هائی که با زبان مشترک با همزیستی و برادری در سنگر داغ دفاع از مادر وطن در یک صف واحد قرار داشته اند، مصروف می باشند.



همتایان جهادی و ملیشپانی "خلق - پرچمی" ها در وجود رهبران فراری ارتجاع قومی - مذهبی در دسته های جهادی سیدقطبی و قومی و ملیشپای دوستمی پس از ۲۰ سال خیانت و جنایت در حق کشور و مردم و خدمت به اشغالگران امریکائی - ناتوئی، چون شتر در خواب پنبه دانه می بینند و ضمن انتظار از اربابان امپریالیست و مرتجع بیرونی شان

برای مرحمت و عنایت، خود ها نیز در خارجه در تلاش برای گرفتن سهم از قدرت پوشالی زیر رهبری طالبان در "امارت اسلامی" و در سایه آن، دستیابی به زر و ثروت و قصر های فرعونى از دست رفته، تلاش می کنند.



این مجسمه به تاریخ ۱۷ جون ۲۰۰۱ م به دستور ملا عمر منفجر شد  
این تندیس شکسته نماد خیانت ملی طالبان و رهبران آن است.

تغییر رژیم ها و تعویض مهره های ارتجاعی توسط امپریالیست های استعمارگر به طور مکرر، نه دواى درد مردم است، نه ضامن استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور و نه زنجیر گران ستم، استثمار، تبعیض و فاشیسم و شوونیسم را از دست و پای زنان و مردان محکوم بسته به زنجیر می گشاید. دواى درد ستمکشان و ضامن رهایی کشور و به سرنوشت رسیدن زحمتکشان؛ آگاهی، انسجام و بسیج است.

لذا نیرو های ملی، مترقی و انقلابی در کشور موظف اند تا با تحلیل و روشننگری در پیرامون چهل و سه سال مشحون از ستم و جنایت، از آغاز کودتای ننگین "خلق و پرچم" که با تجاوز، کشتار و ویرانی توسط رژیم های "خلقى - پرچمی" و جهادی- تکنوکراتی و طالبی و اشغالگران توسعه طلب روسی، امریکائی - ناتوئی و ارتجاع منطقه تا فاشیسم "امارت اسلامی" مزدوران طالبانی و شرارت بی مانند داعشی، را بررسی کرده و درس های آموزنده را از آن استخراج کنند.

با جمعبندی و استخراج تجارب بیش از چهار دهه کشور و کاربست عملی آن، به حیث چراغ راهنما فراراه نجات و رهایی خلق بی گناه، بی دفاع و مظلوم افغانستان از زنجیر جبر ارتجاعی - استعماری و منزه ساختن دامن میهن گرامی خویش از لوٹ وجود ارتجاع قرون وسطائی طالب و سیاست و نگرش تفرقه افکنانه فاشیستی و شوونیستی این جانیان، با برنامه های منسجم کارآ و عملی با نیروی توانا در سطح ملی، از همین اکنون با رویکرد وحدت طلبانه و با روش "وحدت - انتقاد - وحدت" به سوی انسجام فکری، سیاسی و تشکیلاتی گام برداشته و تدارک ببینند.

بر روشنفکران دارای اندیشه و آرمان انقلابی و آزادیخواهانه کشور است تا در صحنه سیاسی افغانستان من حیث روشنفکران آگاه و مسؤول در قبال آمل و آلام بیکران خلق تحت ستم و استثمار اعم از زنان و مردان، احساس مسؤولیت کرده، حضور جمعی فعال داشته و بی اثر نباشند. آری، روشنفکران دارای اندیشه، آرمان و رسالت، مکلف باز کردن گره های از مشکلات مردم افغانستان و خود مورد سؤال مردم هستند. در چنین حالت قوتور و تشتت و جذر



مبارزه انقلابی و رهائیبخش در افغانستان تحت سیطره فاشیسم طالبانی، خلق ما حق دارند پرسند که روشنفکران مدعی داشتن اندیشه، آرمان و رسالت مبارزاتی، تا حالا چه کرده اند؟ چه می توانند؟ و چه باید بکنند؟ در صورت ترک راه و رسالت توسط روشنفکران مدعی مبارزه انقلابی و رهائیبخش، این دسته از روشنفکران چه به گونه فردی یا گروهی مورد سؤال مردم بلا کشیده و رنجدیده قرار خواهند گرفت و داور تاریخ هم سختگیر است. البته تا این جا روی سخن من به گونه عمده با روشنفکرانی است که رسالت انقلابی، دموکراتیک و آزادیخواهانه شان تمام نشده است، ولی مبارزه برای رهائی ملی و اجتماعی مردم، در انحصار گروه خاصی نیست. افراد غیرفعال، غیرسیاسی و بیراهه روانی نیز که پای تا مرز خیانت نگذاشته اند، می توانند و حق دارند تحت رهبری تشکل های مبارز و با اندیشه رهنا سموم زدائی و تجدید تربیت شده و در صف خلق قدم در راه مبارزه طبقاتی و ضد استعماری علیه ارتجاع حاکم طالبان و حامیان بیرونی امپریالیست و مرتجع توسعه طلب آن، بگذارند.

**مرگ بر فاشیست های طالبی و امپریالیسم!**

**در اهتزاز باد درفش مبارزه دموکراتیک و ملی علیه فاشیسم طالبانی و امپریالیسم!**